

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نویسنده: محسن نوربخش

فرستنده: کبیر توخی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۲

کمک های مالی امپریالیستی ، ابزاری برای نفوذ در جنبش ها

یکی از طرفد های گوناگون امپریالیست ها در تأثیر گذاری بر جنبش های رهائی بخش و همچنین برای جلوگیری از رشد و به قدرت رسیدن کمونیست ها در این جنبش ها ، نفوذ در خط مشی و اهداف ایدئولوژیک آن جنبش هاست تا از آن طریق با به مهار درآوردن و کنترل ابعاد و کند کردن شتاب آن مبارزات ، آن ها را بر وفق خواست ها و تمایلات ایده لوگ های خود در مسیر کجراه هائی بیندازند که در نهایت ، متضمن حفظ و بقای نظام سرمایه داری باقی بمانند. این نفوذ ایدئولوژیک که معمولاً در لفاظیه عبارات به ظاهر دلچسب و دلنشینی از قبیل ذات انسانی ، سرشت بشریت ، عدالت اجتماعی ، آزادی بیان ، حقوق جهانی بشر ، حکومت مردم سالاری ، آزادی و دموکراسی برای همه و ... پیچیده شده ، همواره با اهدای جوایز نقدی و پرداخت کمک های مالی به عناصر و یا سازمان های درگیر توأم بوده است. البته این نوع جوایز نقدی و کمک های مالی، بخش علنی این کوشش ها هستند که با بوق و کرنا و تبلیغات سرسام آور در رسانه های خبری، از بودجه های اختصاصی پرداخت می شوند. واضح است که بخش پرداخت مخفیانه و غیر علنی چنین کمک های مالی در راستای اشاعه "دموکراسی" و پشتیبانی از شروع و ادامه "پروژه های آزادیخواهی" غیر دولتی ، بنا بر توافق طرفین مخفی باقی می ماند.

در امریکا و در کشورهای اروپای غربی ، وقتی اعضای کابینه های ریاست جمهوری و هیأت مدیران صنایع بزرگ ، ژنرال ها و افسران ارشد ارتش ، نمایندگان مجلس و سناتور ها و ... "بازنشسته" می شوند ، به طور متداول به استخدام مؤسساتی در می آیند که به آن ها "اطلاق فکری" یا "اندیشکده" گفته می شود. در این ادارات ، نخبه ترین مغز های طرفدار سرمایه داری در کنار باهوش ترین فارغ التحصیل های دانشگاه های معتبر که بر چندین زبان دنیا تسلط دارند ، هر روزه به طور سیستماتیک در حال بررسی و تحلیل از اوضاع کشورهای دیگر هستند و با به چاپ رساندن مقالات تحقیقی – تحلیلی خود ، فراکسیون های مختلف نمایندگان مجلس و سنا، ارتش ، سازمان های اطلاعات و امنیت کشور و کاخ سفید را تغذیه اطلاعاتی می کنند. سرمایه داری ، بدین گونه عناصر و هواداران خود را باز سازی می کند. بعد از شکست اولین تجربه تاریخی در ساختن جامعه سوسیالیستی در شوروی که با انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ آغاز و با در غلتیدن در رویزیونیسم ، سر انجام در سال ۱۹۹۱ به فروپاشی شوروی و کشورهای اروپای شرقی منجر شد ، به طور مشخص بعد از پایان "جنگ سرد" ، بسیاری از نخبگان آن کشور ها هم به غرب آمده و به استخدام این جور ادارات در آمده اند و حاصل کار مغزی خود را در اختیار چنین مؤسساتی قرار داده اند تا در ازای بر خورداری از یک زندگی مرفه ، نقاط ضعف سوسیالیسم را برای امپریالیست ها فرموله کنند. در این مؤسسات بیشمار با نام های مختلف ، معمولاً

یکی دو نفر متخصص برای هر کشوری وجود دارند که با آشنائی با زبان آن کشور و بنا بر شرایط موجود در آن کشور، مقالاتی تحلیلی برای ارگان های مصرف کننده تهیه می کنند. بودجه بیشتر این مؤسسات از کوچک و گمنام و ناشناس گرفته تا بزرگ و شناخته شده و مشهور، همه و همه یا به طور مستقیم از سود سرمایه های کلان خیریه ئی و یا به طور غیر مستقیم با عنوان ”حق کمیسیون“ از طرف ارگان هایی از قبیل وزارت دفاع، سازمان مرکزی اطلاعات، سازمان امنیت کشور، دفتر معاونت ریاست جمهوری و غیره فراهم می شود.

از جمله این ارگان ها، سازمان Middle East Partnership Initiative یعنی ”پیشقدمی برای مشارکت در خاورمیانه“ هست که در سایت اینترنتی آن، مؤسسه مزبور این گونه تعریف شده است (MEPI): ”به ابتکار ریاست جمهوری سرمایه گذاری شده است تا از کوشش های رفرم اقتصادی، سیاسی و آموزشی در خاورمیانه حمایت به عمل آورده شود“.

در امریکا، یکی دیگر از فعال ترین تشکیلاتی از این نوع National Endowment for Democracy یعنی ”صندوق ملی برای دموکراسی“ با حروف اختصار ”NED“ می باشد که با ادعای کوشش در جهت اشاعه دموکراسی در سراسر جهان اما در اصل برای مبارزه با کمونیسم، در سال ۱۹۸۳ توسط رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا به کنگره امریکا پیشنهاد و به مرحله عمل در آمد.

در دوران قبل از به وجود آمدن ”صندوق ملی برای دموکراسی“، وظیفه پخش پول در میان عناصر، گروه ها و سازمان های دلخواه امپریالیسم، بر عهده سازمان CIA (سیا) بود ولی از آن جایی که تشکیلات جاسوسی سیا با آدم کشی ها و جنایاتی که در تاریخچه سیاه خود علیه آزادی خواهان و در راستای سقوط دولت های ”ملّی“ کشور های مختلف انجام داده بود، بسیار بدنام و منفور بود و اذعان به تماس با این سازمان جاسوسی برای افراد، گروه ها و احزابی با ادعای ملی و مردمی بودن مشکل آفرین می شد، تشکیلات نوپای ”صندوق ملی برای دموکراسی“ به وجود آمد تا همان پول ها، این بار از بودجه کنگره امریکا و نه از بودجه وزارت امور خارجه، از صندوق این بنیاد ”نوجه“ پرداخته شوند.

برای رد گم کردن عملکرد های مالی، ”ند“ همچون مؤسسات مالی با حسابداری های پیچیده و با چندین بار دست به دست کردن پول، منابع فرستنده و گیرنده میانی را از روی صفحه محو می سازد تا به کمک این شیوه از ”پول شوئی“، کمک های مالی از طریق چهار بخش دریافت کننده اولیه به مؤسسات دیگر در امریکا و در سراسر جهان مسترد شوند. اسامی این چهار مؤسسه اولیه عبارتند از: ”مرکز امریکائی برای همبستگی بین المللی کارگران“ که خود به اتحادیه زرد کارگری AFL-CIO یعنی (فدراسیون امریکائی کار – کنگره سازمان های صنعتی) وابسته هست، ”مؤسسه ملی آزادیخواهی برای امور بین المللی“، ”مؤسسه بین المللی جمهوریخواهی“ و ”مرکز برای شرکت های خصوصی بین المللی“ که به ”اتاق بازرگانی“ امریکا وابسته می باشد. این مؤسسات به نوبه خود وجوه دریافتی را به سازمان ها و مؤسسات گوناگون کوچک و بزرگ دیگر فرستاده تا در میان عناصر، گروه ها و سازمان های دلخواه امپریالیست ها، چه در داخل امریکا و چه در سطح جهان پخش و تقسیم شوند.

در بخش فارسی زبان سایت اینترنتی ”ند“ در قسمت معرفی آن آمده است: ”ند“ نهادی منحصر به فرد است. ماهیت غیردولتی این صندوق، قابلیت انعطافی به آن می بخشد تا بتواند در دشوارترین شرایط که در برخی از نقاط جهان شاهد هستیم، فعالیت کرده و هرگاه زمینه ای برای تغییرات سیاسی وجود داشته باشد سریعاً واکنش نشان دهد. ”ند“ متعهد به رشد و توسعه نهادهای مردم سالاری مانند احزاب سیاسی، اتحادیه های صنفی، بازارهای آزاد و سازمان های تجاری و نیز بسیاری از ارکان جوامع پویای مدنی در خارج است تا از این طریق، حقوق بشر، رسانه های مستقل و حاکمیت قانون تثبیت گردد“.

در ادامه قسمت معرفی ”نِد“ به زبان فارسی می خوانیم که: ”این صندوق از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۸۳ تاکنون در کلیه تقابل های مردم سالاری در تمام دنیا حضور فعال داشته و به نهادی چند وجهی (پر دامنه) بدل شده که فعالیت ها و منابع آن زمینه ساز تبادل دانش و افکار میان فعالان ، کارورزان و دانش ورزان مردم سالاری در سرتاسر جهان است. ”نِد“ یک بنیاد خصوصی غیر انتفاعی است که خود را متعهد به پرورش دادن و تقویت نهادهای مردم سالاری در سرتاسر جهان می داند. ”نِد“ هر سال بیش از ۱۰۰۰ کمک مالی برای پشتیبانی از پروژه های گروه های غیردولتی فعال در زمینه مردم سالاری در بیش از ۹۰ کشور جهان اعطا می کند.”

در واقع بنیادی که توسط یکی از فاشیستی ترین و ضدکمونیست ترین رؤسای جمهوری امریکا در نیم قرن اخیر، ساخته و پرداخته شده با کلید رمز ”دموکراسی“ نامگذاری شده و ادعای اشاعه آن را در سراسر جهان دارد ! البته این همان دموکراسی ست که امپریالیست ها با ریختن خروار ها بمب بر سر مردم عراق و افغانستان و کشتن صد ها هزار نفر مردم بیگناه در این دو کشور ، برای آن ها به ارمغان آوردند.

تشکیل صندوق ”نِد“ و فعالیت های آشکار آن در پول پاشی در میان نیرو های ”آزادی طلب“ و خرید و وابسته کردن آن ها با اعتقاد به جاودانی بودن نظام سرمایه داری (البته سرمایه داری از نوع به اصطلاح پاک آن و این فریب که رشد سرمایه و رقابت آزاد در بازار ، باعث نیکبختی همه اعضای جامعه انسانی می شود) ، همه و همه نشان از ترس بی کران امپریالیست ها از انقلاباتی دارد که به دست کارگران و زحمتکشان ، به رهبری کمونیست ها برپا می شود تا نظام سوسیالیستی را جایگزین نظام سر و پا بحران زده سرمایه داری کنند. امپریالیست ها جنبش ها و انقلابات مردمی را کاملاً جدی گرفته و حاضراند که میلیون ها میلیون دالر و یورو خرج بکنند اما تا آن جا که ممکن هست زمام امور از دستشان در نرود.

سال هاست که برخی از نیروهای ضد انقلابی در اپوزیسیون رژیم منفور جمهوری اسلامی که در دهه ۶۰ از نیروهای درون جنبش مردم به حساب می آمدند ، با برقراری رابطه با چنین ”صندوق“ های امپریالیستی از پول های اعطا شده از طرف آن ها برخوردار شده اند. با این که همواره این نوع کمک های مالی به قول معروف از ”زیر میز“ انجام گرفته ولی نام امریکا ، عربستان سعودی و اسرائیل به عنوان منابع کمک دهنده به چنین نیروهایی برای خیلی از نیروهای جنبش شناخته شده است. اما چند سال پیش با به راه اندازی یک رسانه اینترنتی با پول وزارت خارجه هالند به نام ”شهرزاد نیوز“ آن هم از طرف سازمانی که مدعی دفاع از منافع طبقه کارگر بوده و خود را کمونیست می داند یعنی سازمان فدائیان اقلیت ، مسأله پول گرفتن از امپریالیست ها یک بار دیگر از پشت صحنه ، به جلوی صحنه آمد. این کار در شرایطی صورت گرفت که رئیس جمهور وقت امریکا ”بوش“ از تخصیص ۷۵ میلیون دالر برای اپوزیسیون ایران خبر داده بود. از این رو پیدایش رسانه اینترنتی ”شهرزاد نیوز“ در چنین شرایطی، در خدمت شکستن قبح دریافت پول از امپریالیست ها برای نیروهای سازشکار اپوزیسیون رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی در آمد تا آن ها نیز دست های خود را برای این منظور به سوی نیروهای امپریالیستی دراز کنند. می دانیم که پس از افشاء شدن موضوع ”شهرزاد نیوز“ به خصوص با تلاش ”میز کتاب آمستردام“ ، سازمان ”اقلیت“ که از درجه زشتی و قباحات چنین کاری مطلع بود با ریاکاری آشکاری کوشید انجام چنان عملی را کار شخصی یکی از اعضای خود که البته او را عضو هیأت تحریریه اش خوانده بود، قلمداد کند و مسئولیت خود را در این زمینه انکار بنماید. عضو نامبرده نیز در یک جلسه پلناکی با گفتن این که دیگران گویی تصور می کنند که شاید پول در یک گونی ریخته شده و به او پرداخت شده به مغلطه گویی متوسل شد. در هر حال ، به طور کلی این که آیا این پول ها در گونی ریخته شده و از پیش پرداخت می شوند یا این که به طریق امروزی و مثلاً در ازای نشان دادن قبض هتل اقامت برای مصاحبه با رضا پهلوی و بلیط هواپیمای رفت و برگشت مصاحبه کننده و مصاحبه شونده ، به حساب بانکی ”شهرزاد نیوزی“ ها الکترونیکی واریز

می شود ، حائز اهمیت نیست (اشاره به مصاحبهٔ مسؤول شهرزاد نیوز با پسر شاه ، پسر کسی که قاتل و مسؤول مرگ هزاران نفر از نیروهای آزادیخواه و کمونیست ایران بود). آن چه اهمیت دارد این است که کنگرهٔ امریکا و وزارت خارجهٔ هالند و سایر ارگان های امپریالیستی ، کمک های مالی خود را به امثال ”شهرزاد نیوزی“ ها از طریق ارگان های ایادی خود همچون ”صندوق ملی برای دموکراسی“ و یا ”خانهٔ آزادی“ می پردازند تا با نام آزادی علیه آزادی عمل کنند و تبهکاری را به آنجا بکشانند که شاملو از آن به عنوان ”کباب قناری بر آتش سوسن و یاس“ یاد می کند.

از طرف دیگر امروز ، سخنگویان رسمی و غیر رسمی ”ایران تریبونال“ قرار دارند که قسم می خورند که مخارج اجارهٔ ساختمان و ایاب و ذهاب و سکناى هیأت قضات در تجمع پنج روزهٔ کمیسیون حقیقت یاب در انگلستان و جلسهٔ سه روزهٔ تریبونال در هالند را یکی دو نفر از اعضای ”ایران تریبونال“ با گرفتن ”وام از بانک“ و با جمع آوری کمک مالی های ناچیز از افراد مختلف فراهم کرده اند و سفیهانه سؤال می کنند که اگر منتقدین ”ایران تریبونال“ راست می گویند ، سند کمک های مالی امپریالیست ها را به ”ایران تریبونال“ نشان بدهند ! ولی این ها با چنین سخنی به واقع پنهان می کنند که دست اندرکاران این تریبونال نظیر پیام اخوان ها ، جان کوپر ها ، سر جفری نایس ها و موریس کاپیتورن ها که وظیفهٔ اشاعهٔ نظرات ضد انقلابی خود تحت نام دفاع از زندانیان سیاسی دههٔ ۶۰ را داشته اند به طور معمول مزد کار خود را از همان صندوق هائی که در بالا توضیح داده شد دریافت می کنند. اشاعهٔ نظرات غیر انقلابی در جنبش های اجتماعی در ایران سال هاست که از طرف نیروهای ایرانی همکار با چنین افرادی صورت می گیرد. مشخصهٔ ایران تریبونال و دردناکی قضیه در آن است که این بار از میان نیروهائی که به عنوان چپ شناخته می شوند خود را در خدمت مقاصد این تریبونال قرار دادند.

آن به اصطلاح چپی که از گرفتن هیچ نوع کمکی از امپریالیست ها ابا نمی کند ، در واقع به مبارزهٔ طبقاتی و رسالت تاریخی طبقهٔ کارگر در نابودی نظام سرمایه داری ایمان ندارد و بر این اصل که مبارزه با ارتجاع جدا از مبارزه با امپریالیسم نیست ، وقعی نمی نهد.

اما نیروهای واقعاً چپ و مدافع راستین طبقهٔ کارگر بر این واقعیت کاملاً آگاهند که امپریالیست ها از طرق مختلف به خصوص از طریق نیروهای بومی سعی می کنند با تأثیر گذاری در جنبش های انقلابی و رهائی بخش توده ئی در کشورهای تحت سلطه ، آن ها را در کنترل و زیر نفوذ خود در آورده تا نهایتاً آن جنبش ها را عقیم سازند. در نتیجه وظیفهٔ همهٔ نیروهای انقلابی است تا ماسک های ”بشر دوستانه“ ، ”ضد خشونت“ و ”حقوق بشری“ امپریالیست ها را کنار زده و با افشای کنه نیات واقعاً پلید آن ها ، دسیسه های شان را در نزد توده ها برملا سازند.

۱۹ دسمبر ۲۰۱۲ برابر با ۲۹ قوس ۱۳۹۱

منتشر شده توسط مجله هفته در ۴ جدی- ۱۳۹۱

یادداشت:

تکیه روی جملات از فرستندهٔ مطلب می باشد.
کبیر توخی